

بسم الله الرحمن الرحيم

«وصیت نامه شهید شهرام مسین زاده»

بسم الله الرحمن الرحيم

و لا تقولوا لمن يقتل في سبيل الله اموات بل احياء و لكن لا تشعرون.

در ضمیرها نمی گنجد بغیر از دوست کس هر دو عالم را به دشمن ده که ما را دوست بس

خداوندا بنده ای عاصی به پیشگاهت آمده و با شرمساری در خدمت تو سخن می گوید ای الله من بنده ات هیچ توشه ای نیاندوخته و هیچ ذکری نیاموخته هر لحظه که بیشتر می اندیشد خویش را در گرداب گناه می بیند او را امیری نیست که به سرچشمه نجات رسد فکرش که رحمتی کنی و به ساحل رسانی. خداوندا سخت از اعمال خویش پشیمانم دست به سویت انداختم شاید چیزی در کف افتاد. خداوندا آیا ما را به نام بنده ات خطاب نخواهید کرد. آیا امیدم را ناامید می گردانی. پروردگارا نیک می دانی که عارف نیستم تا چون عارفان سخن گویم اما همین نکته مرا بس که هر که تو را یافت دست از غیر تو برید و تو گوشه چشمی به او انداختی و او اسماعیل گونه به زیر خنجر ابراهیم به قربانی ایستاد و سر در مسلخ عشقت نهاد. اما بعد: مدتی زیاد بود که می اندیشیدم چه برای وصیت بنویسم زیرا اگر شهادت برایمان محال بود خوب فرض محال که محال نیست و البته تمایل به این امر داشتم لکن اکنون میل چندانی ندارم لکن اگر نبود حس مسئولیت هر آینه به ذکر دیون و حقوقی که بر گردن داشتم اکتفا می کردم زیرا که از نوشتن این حقیر چه سودی افتد و اصولاً چه حدی به گفتار ما سلف اعتماد و عمل شده است تا چیزی مثلاً به نام وصیت از خویش برجای بگذارم و حق مطلب آن است که امروز نگاشتن مسئولیتی بس عظیم را می طلبم.

امروز در روزگاری به سر می بریم که خوب بودن دیوانگی است و انسان بودن کفاره می خواهد از هر سوی دشمنان ما را احاطه نمودند و در صدد ضربه زدن هستند و ما نیز آرام و خاموش به سر می بریم گویی که اتفاقی رخ نداده و آب از آب تکان نخورده است آیا هنوز خواب بس نیست؟

چه شده است ما را که خوش به گوشه ای خزیده ایم مگر خون این همه شهدای عزیز که جان شان را در ره معشوق نهاده اند از یادمان رفته است چرا یاد گرفته ایم که فقط هر بار که شهیدی تشییع شد در فکر جنگ باشیم. بپرسید از همسنگران شهدای عزیز که آنان چگونه سر به لقای حق نهاده اند و پیام آخرشان چه بوده است. آری برادرم و ای خواهرم تنها چیزی که از شهدا ما وارث آنیم راهی ناتمام است که رهروی مردانه می خواهد. امروز جبهه ها مرکز عشق و عرفان است. مناجات دلباختگان جلوه معشوق چون لعل می درخشد و ملکوتیان همه در عجب و آری که گران عشق را دو بال باید که در عرش ملکوتی خداوند به پرواز درآیند و چه کوتاه بینانه فکری است این اگر تصور رود که تن خاکی قادر به بند کشیدن شان باشد می دانید چرا این اوصاف به اصطلاح بعضی غریبه را بکار می برم از آن حیث که ارزش شهدا بر تو معلوم گردد و این سؤال در ذهن تداعی شود که این همه عظمت و بی اعتنایی به خون آنان؟ وصیت نامه های شهدا را بنگرید ما را چه راهی رهنمون شده اند. من امروز در نزد خداوند خویش از آن جهت که پیام این عزیزان را اجرا نکرده ام شرمسارم. آخر مگر پیام آنها چیست؟ آری پیام آن خودبختگان حفظ انقلاب و دستاوردهای آن است. گفته اند امام را تنها نگذارید فریاد زده اند که بگذارید که تن های ما آماج تیر و ترکش قرار بگیرد اما امام پایدار بماند و استوار. ای مردم اگر امام را تنها بگذارید بخدا قسم در نزد خداوند مسئول خواهید بود و به خون و آرمان هزاران شهید از دست رفته خیانت کرده اید. این پرده های تزویر را بدرید بشکنید این بت نفس را. آخر تا به کی اسیر دست شیطان به خود آید و تقوی پیشه کنید. خواهران مان را به حفظ حجاب و عفت دعوت می کنم چنانچه شهیدان گفته اند که ای خواهر حجاب تو کوبنده تر از خون من است. نهال دل را با تلاوت و ذکر قرآن بارور رسانیم و به مراسم سوگواری اهمیت دهید زیرا ما هرچه داریم از این مجلس است قرن هاست که خون حسین(ع) در رگ های ملت مسلمان می جوشد و مردم از آن حیاتی دوباره می یابند. مساجد را پر کنید و وحدت و یکپارچگی را حفظ و اختلاف را دراندازید باشد که خداوند همه راهدایت فرماید. در پایان ای مردم ما به شما وعده کربلا دادیم هر چند خود نرسیدیم ولی امیدواریم که دیگر همسنگرانمان بدین عظیم توفیق یابند. از همه مردم به طور اعم حلالیت می طلبم امید است ما را عفو کنند زیرا نیک می دانید حق الناس مشکل است مشکل. ما را از دعای خیر فراموش نکنید و بعد از نمازهایتان ذکر می هدیه ما کنید.

اما چند نکته با پدر و مادرم

ای پدر و مادر گرامیم نیک می دانم که شما را بسیار اذیت و آزار نموده ام ولی شما را بخدا سوگند می دهم که عفو کنید من به شما علاقه داشتم لکن خداوند را بیشتر دوست داشتم. در هر حال امید است که صبر و تقوی پیشه کنید و حقیر را از دعای خیر فراموش نکنید. فرصتی جهت تشکر از محبت های شما نیست. خداوند به شما اجر عنایت کند. سعی کنید مشتی بر دهان ضد انقلاب بکوبید. من نمی گویم گریه نکنید ولی طوری گریه کنید که دشمنان به ما طعن نزنند و در آخر تقاضای عفو دارم. خواهرانم را به حجاب و عفت سفارش می کنم.